



ربيعی: آنچه امروز مادر ایران به عنوان دولت می‌شناسیم، دارای مفهوم مشخصی نیست، دولت در فرانسه معنای مشخص و تعریف شده‌ای دارد، اما امروز معلوم نیست که دولت در ایران کیست؟

شکل نگرفته است؛ فلسفه دولت به این معنی که دولت چیست، می‌خواهد به چه چیزی پاسخ بدهد و مردم هم بپذیرند که برای پاسخگویی به این مسأله، دولت فلان حق خاص را دارد. اما نه تنها در ایران این ایده دولت وجود نداشت، بلکه وقتی که دولت‌ها ایده‌پردازی در این باره را شروع کردند، از سوی جامعه پذیرفته نشد.

البته پس از انقلاب اسلامی این فرصت تاریخی به وجود آمد که نواقص تاریخی مربوط به دولت - ملت، یعنی اصل سزایینی بودن دولت جبران شود. خاطرم هست که در اوایل انقلاب، چون جامعه انقلاب کرده دولت مستقر را ناشی از خواست خود می‌دانست، در خیابان‌ها شعارهای توده‌وار همبستگی بین ملت و دولت سر داده می‌شد و در این دوره شکلی از ملت - دولت در ایران سامان یافت. با وجود این، همه آنچه تاکنون گفته شد، می‌تواند علت‌های سطح بالا قلمداد شود. علت‌های سطح میانی در باره شکل نگرفتن احساس دولت را هم می‌توان برشمرد. از جمله اینکه ما با اشکالات ساختاری

معنی که دولت در ایران سزایینی زاده شد، یعنی ناگهانی و بدون طی کردن دوران ضرورت تاریخی شکل گرفت. البته منظور من این است که این فرآیند تاریخی طی نشد. بنابراین می‌توان گفت نفس سزایینی بودن دولت در ایران، خود یک پدیده و موضوع قابل مطالعه است.

بویژه اینکه در دوران پهلوی اول که می‌توان نقطه عطفی در شکل‌گیری دولت در ایران قلمداد کرد، باز هم نه براساس فرآیندهای اجتماعی در ایران بلکه براساس معادلات قدرت‌های وقت جهانی و نیاز آنها شکل‌گیری دولت مدرن را در ایران ممکن کرد. پس از آن بود که محمدعلی فروغی کار نظریه‌پردازی برای دولت در ایران را آغاز کرد، اما در این مرحله هم، دولت مدرن در متن اجتماعی ایران تثویز نمی‌شود، بلکه فروغی تلاش می‌کند بپیوند زدن باستان‌گرایی افراطی و گذشته تاریخی با دولت مدرن، نظریه‌ای البته ناقص از دولت مدرن در ایران ارائه کند. علت دیگری که می‌توان از آن به عنوان زمینه‌های عدم شکل‌گیری ملت - دولت در ایران نام برد، شکل نگرفتن «ایده دولت» در ایران است.

بهترین تعبیر درباره «ایده دولت و «دولت - ملت» را در کار «بری بوزان» - یکی از مهم‌ترین واضعان مکتب کپنهاگ در مباحث اجتماعی - و کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» دیدم. او در این کتاب می‌گوید که «ایده دولت» به نوبه خود فرآیندی است که به‌طور طبیعی از درون آن میثاق طبیعی میان مردم و دولت شکل می‌گیرد، چیزی که شاید در علوم سیاسی بتوان آن را فلسفه دولت نامید. اما نکته اینجاست که فلسفه دولت در ایران درست